



## مدیریت جهادی و نقش آن در گسترش فرهنگ پیشرفت و عدالت

حمید رضا ساری<sup>۱\*</sup>، ذبیح ا... زارع<sup>۲</sup>

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، sari.hamid@gmail.com

دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب، zabih\_zare@yahoo.com

### چکیده

در مدیریت جهادی که بر گرفته از مدیریت اسلامی است به علم، فرهنگ، انسان و ارزش های انسانی توجه ویژه ای شده است. بدین ترتیب مدیریت جهادی یک نوع مدیریت ارزشی و با اصالت فرهنگی است که سعی دارد با استفاده از مولفه های فرهنگی در سایه تعلیمات اسلامی و الهی به یک توسعه همه جانبه دست یابد و منجر به محقق شدن اهداف جمهوری اسلامی ایران در دهه پیشرفت و عدالت گردد. به نظر می رسد مقام معظم رهبری نیز با سخنرانی ها و اشاراتی که در این رابطه بیان فرموده اند سعی در تفهیم اهمیت فرهنگ جهاد را داشته اند و می توان با توجه به همین بیانات، به راهکارهایی در خصوص توسعه و ترویج فرهنگ و مدیریت جهادی دست یافت.

**واژه های کلیدی:** مدیریت جهادی، پیشرفت و عدالت، فرهنگ، توسعه فرهنگی، مقام معظم رهبری.

### ۱- مقدمه

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، تغییر و تحولات وسیعی در عرصه های گوناگون کشور به وقوع پیوست. از جمله مهم ترین این دگرگونی ها، تغییر در ایدئولوژی و طرز تفکر مدیران کشور بود. با توجه به شرایط خاصی که، کشور در ابتدای پیروزی انقلاب در آن قرار گرفت و هم اکنون هم در سطح بسیار جدی تری با آن دست و پنجه نرم می کند، مدیران و مسئولین مملکتی ناگزیر به طراحی و پیاده سازی الگوی خاص مدیریتی جهت مواجهه و مقابله با تحریم ها و خصوصا محدودیت هایی که در زمان ۸ سال دفاع مقدس به وجود آمده بود شدند که به نام مدیریت جهادی ملقب شد و با تحقیقات و مطالعاتی که روی این نوع خاص مدیریت صورت گرفت، مشخص شد که جزء مطلوب ترین و موفق ترین نوع مدیریت ها می باشد و به نظر می رسد که مدد گرفتن از عناصر فرهنگ مدیریت جهادی بتواند تا حد قابل ملاحظه ای به پیشبرد اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی، در دهه پیشرفت و عدالت باری رساند.

بر همین اساس، این نوشتار با هدف بازشناسی مفاهیم کلیدی مدیریت جهادی از طریق بررسی آثار عالمان صاحب نظر در این حوزه و همچنین مفاهیم مربوط به مقوله های پیشرفت و عدالت، جنبه های افتراق پیشرفت و توسعه، و لزوم اجرایی شدن برنامه های توسعه فرهنگی در سطح کلان، مورد نگارش قرار می گیرد.

۱ و \* - نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی - برنامه ریزی امور فرهنگی

۲ - کارشناس ارشد مدیریت MBA



در ادامه به تبیین و توضیح مفاهیم کلیدی در خصوص این موضوع پرداخته، و سعی نویسندگان بر آن است تا از بین نحله های مختلف فکری و ایدئولوژیکی موجود در خصوص علوم مدیریتی و مفاهیم پیشرفت و توسعه، به تبیین مفاهیم اسلامی- ایرانی در این خصوص بپردازند.

## ۲- مدیریت جهادی

مدیریت واژه ای است که در ذهن هر کس مفاهیم خاصی را بر می انگیزد و می توان گفت به تعداد دانشمندان و صاحب نظرانی که در حوزه مدیریت فعالیت می کنند، تعاریف مختلفی از این شاخه از علم یا هنر داریم. ولی مفهومی که در اینجا به آن می پردازیم مفهوم مدیریت جهادی است و تبیین ابعاد مختلف این نوع مدیریت و ویژگی های آن. اساس مدیریت در نظام جهادی بر پایه رهبری و هدایت انسانها به سوی وظایف خودشان و به سوی سازندگی پایه گذاری شد. مدیران در جهاد وظیفه هدایت، رهبری و نقش سوق دادن انگیزه هارا برای کار و تلاش داشتند. مدیران جهادی در همه عرصه ها و زمینه ها، تلاش خود را بر این گذاشته اند که با امر رهبری و اطاعت از رهبری در تمام صحنه های حساس انقلاب حضور رسانند و به عنوان بازوی انقلاب باشند (موحد، ۱۳۸۶).

مدیریت جهادی در واقع همان مدیریت علمی است که بر اساس فرمول ها و قوانین مطرح در دانش مدیریت پایه ریزی شده است. فرق این نوع مدیریت که از ترکیب اضافی جهادی تشکیل شده است با مدیریت صرف در این است که مبنای مدیریت جهادی، مبنایی اسلامی و ارزشی بوده و می توان گفت مدیر مسلمان با در نظر گرفتن ابعاد دینی و ایمانی به مدیریت تعریف تازه ای می بخشد و مفهوم مدیریت جهادی را به وجود می آورد.

در مدیریت جهادی که بر گرفته از مدیریت اسلامی است به علم، فرهنگ و انسان و ارزش های انسانی توجه ویژه ای شده است. بدین ترتیب مدیریت جهادی یک نوع مدیریت ارزشی و با اصالت فرهنگی است که با مدیریت علمی هماهنگ است و می توان گفت با استفاده از تعاریف علمی مدیریت و به کار گیری ۵ وظیفه اصلی یک مدیر و ادغام آن با مفاهیم اسلامی و دینی به سبک جدیدی از مدیریت تبدیل شده است. عمل به حق، توجه و محور قرار دادن ارزشهای الهی و انسانی، مهربانی و خوش رفتاری با مردم در عین توجه به کارکنان و زیر دستان، غلبه بر هوای نفس و علاوه بر این ها مدیریت برای خدا، انعطاف پذیری ساختار و تشکیلات مناسب با شرایط، مدیریت داوطلبانه، تحول آفرین، پویا و انعطاف پذیر در مأموریتها، خودباور، توجه به نیروی انسانی به عنوان منابع مهم کاری، پرکار، سخت کوش، خستگی ناپذیری و سرعت عمل در کارها را می توان از مولفه های مدیریت جهادی بر شمرد. در دیدگاه مدیر جهادی، مدیریت غنیمت نیست بلکه مسئولیتی سنگین است که برای موفقیت در انجام آن حتی باید از بسیاری از خوشی ها و لذت ها گذشت. وجود عنصر خلاقیت و ابتکار در درون مدیران جهادی از مشخصه های آنان در صحنه های مختلف است. روحیه تواضع و فروتنی از دیگر ویژگیهای آنان است. خیلی از فعالیتها و خدمات آنان به لحاظ وجود این خصیصه بارز پوشیده می ماند (موحد، ۱۳۸۶).

از دیدگاه آرمسترانگ، فرهنگ یک سازمان، باورها، نگرشها، فرضیات و انتظارات مشترکی را در بر می گیرد که در نبود یک قانون یا دستور العمل صریح، رفتارها را هدایت می کند و در اکثر سازمانها، غالب موقعیت های مدیریتی این چنین است. فرهنگ می تواند منبع نیرومندی از هویت، هدف مشترک و رهنمود انعطاف پذیر باشد. از سوی دیگر بنیانگذاران، مدیران عالی و جهادگران در طول عمر پر برکت جهاد، فرهنگی به نام فرهنگ سازمانی جهاد و یا فرهنگ جهادی را به وجود آوردند. موسسان و بنیانگذاران تصویری از آنچه باید باشد در پیامها و بیانات خود مطرح نموده اند؛ همین تصویر، خالق ارزش های مهم برای فرهنگ سازمانی جهاد گردید. از جمله ویژگی های بارز این فرهنگ: نو آوری و خلاقیت، مشارکت پذیری در تصمیم و اجرا، ارزش مداری، انسجام سازمانی، تحول آفرینی و فرهنگ سازی، خود باوری برای کارهای نشدنی و... می باشد (خزایی، ۱۳۸۳).



اگر بخواهیم به مولفه های مدیریت جهادی (فغفور مغربی، ۱۳۸۸) اشاره ای مختصر داشته باشیم می توان از موارد ذیل

نام برد:

- وجود انگیزه خدائی در فعالیت مادی
- اعتقاد به استقلال و لزوم خود کفائی
- علاقه به کار ایثار گرانه برای محرومین
- احساس تعهد و مسئولیت شدید در رسیدن به هدف و سرعت در کار
- توان کار دسته جمعی مشارکتی شورائی و اعتقاد به عدم تمرکز در تصمیم گیری های کلان
- همدلی به مردم و توان جلب مشارکت آنان و اهمیت دادن به آن
- بر قراری روابط عاطفی و غیر رسمی در انجام فعالیت های رسمی
- قناعت ساده زیستی شخص و سازمانی صرفه جوئی امانت داری و در نظر گرفتن منافع عمومی
- سادگی سازمانی
- اعتماد به همکاران و مساعد نمودن محیط سازمان برای رشد اعضا
- نشاط و سرزندگی در کار وجود روحیه جوانی
- داوطلبانه بودن فعالیت و همکاری

اگر بخواهیم به صورت نمونه از یکی از سازمان ها و نهاد هایی که با هدف انجام کار جهادی و مدیریت جهادی تشکیل شده است نام ببریم می توان به جهاد سازندگی اشاره کرد، که با توجه به شرایط خاص زمان تاسیس و همچنین ماموریت های محوله به این سازمان تا حد زیادی موفق به پیاده کردن یک مدیریت موفق و به معنی واقعی جهادی شده بود. در حال حاضر مقدار زیادی از تجربه ها و همچنین اطلاعاتی که در رابطه با مدیریت جهادی، کارایی و کارآمدی آن وجود دارد مرهون زحمات و تلاش های این دلاور مردان در عرصه سازندگی می باشد. به نظر می رسد مقام معظم رهبری نیز با سخنرانی ها و اشاراتی که در رابطه با این نهاد بیان فرموده اند سعی در تفهیم اهمیت فرهنگ جهاد در عرصه مدیریت به مسئولین و مدیران کشور را داشته اند و می توان با توجه به همین بیانات، به راهکارهایی در خصوص توسعه و ترویج فرهنگ و مدیریت جهادی دست یافت که در ذیل به مواردی از آن ها اشاره می گردد:

- توجه کردن به حفظ ارزشهای جهادی
- مقام معظم رهبری: من به جهاد خیلی امیدوارم، اما این امیدها برآورده نخواهد شد مگر آن وقتی که شما این پایبندی و اصرار به ارزشهای الهی و اسلامی را داشته باشید.
- حفظ هویت انقلابی و ارزشی جهاد
- مقام معظم رهبری: بارها گفتم، این است که جهاد، این هویت انقلابی و ارزشی خودش را دو دستی حفظ کند. این است که می تواند شما را کارآمد بکند.
- احساس مسئولیت و مدیریت مسئولانه و منسجم با پایبندی به ارزشهای الهی و اسلامی
- مقام معظم رهبری: آن تشکیلات انقلابی مومن منسجم، کاملاً با احساس مسئولیت، کاملاً با مدیریت مسئولانه و با پایبندی به ارزشهای الهی و اسلامی و با دوری گزیدن از آن آفتهایی که دچار تشکیلات گوناگون در کشور ما می شود ... باید آن آفات، از بین برده شود و من انتظارم از جهاد این است.
- حفظ روحیه جهادی و حزب الهی
- مقام معظم رهبری: مهم ترین صفاتی که جهاد باید به آن مجهز باشد، روحیه حزب الهی، جهادی، ارزش گرای، معنوی و احساس وابستگی به پایه های ارزشی نظام جمهوری اسلامی می باشد. وظیفه مسئولان جهاد سرمایه گذاری در حفظ ارتقا این صفات ارزشی در نهاد جهاد سازندگی است.



- الگو بودن در همه کارها خصوصاً در نظام اداری اسلامی
- مقام معظم رهبری: جهاد همان جریان انقلابی است که متناسب با انقلاب روییده است و برای حفظ آن باید هر چه می توانیم بر کارآیی و عدم گرایش آن به سوی جریان سنتی بکوشیم.
- اهمیت وجود جهاد و جهاد گری و جلوگیری از تجزیه یا محو جهاد
- مقام معظم رهبری: عده ای مایل بودند جهادسازندگی را تجزیه کنند، ولی ما مقابل این امر ایستادیم و تا آخر هم خواهیم ایستاد و قبول نخواهیم کرد که جهاد تجزیه شود. این کشور هنوز سالهای متمادی به خدمات و کار شما و تلاش خالصانه شما احتیاج دارد.
- مدیر پروری و انسان پروری
- مقام معظم رهبری: هم باید به سازندگی کشور و هم به سازندگی انسانها بپردازید. در درون خودتان مدیران لایق، اشخاص برجسته، دستهای کارآمد و مغزهای فعال تربیت کنید.
- تمسک به ایمان انقلابی و جهادی
- مقام معظم رهبری: راز همه این موفقیتها در بخشهای مختلف تمسک به ایمان انقلابی است.
- خستگی ناپذیری و ابتکار عمل به خرج دادن و نوآوری و خلاقیت داشتن
- مقام معظم رهبری: معلوم هم بود که در این تشکیلات (جهاد) آنچه لازم است کار و ابتکار است. کار خستگی ناپذیر و ابتکار و نوآوری برای نجات کشور.
- رعایت معیارهای دینی و انقلابی جهادی
- مقام معظم رهبری: جهاد از اول اینطور بود و کسانی براساس معیارها آمدند و در جهاد مسئولیت گرفتند که معیارهای انقلابی در آنها بصورت کامل وجود داشت.

با تبیین ویژگی ها و مشخصات مدیریت جهادی که به تفضیل به آن ها اشاره شد، یکی از موضوعات و موارد مهمی که در دوام و قوام این فرهنگ و سبک مدیریتی نقش اساسی ایفا می کند موضوع بازسازی، آموزش و ترویج آن می باشد. گوردن لیپت در مورد بازسازی می گوید: "بازسازی نیرومند کردن آن فراگردهای انسانی در سازمان ها است که کارکرد نظام زنده را برتری می بخشند تا آن سازمان بتواند به هدف های خود دست پیدا کند."

اگر بخواهیم از افول و زوال مدیریت جهادی جلوگیری کنیم و این شیوه فراتر از گذشته و با توجه به شرایط جدید و چالشهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تهدیدهای عوامل اثرگذار درونی و بیرونی باز هم به عنوان یک سبک سازمانی برتر در نظام مدیریتی کشور و نظام اسلامی قابل طرح و ارائه باشد، باید صاحبان این فرهنگ و سازندگان دلسوز و فرهیخته آن، دست به یک تلاش وسیع جهادی، علمی و عملی بزنند و با باز سازی و سازماندهی جدید، مبانی اصولی این فرهنگ را با توجه به توصیه های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری ضمن حفظ اصول و مبانی اصلی و اولیه آن، به صورت علمی ارائه کنند و به اصلاح پیرایه های اضافی آن در طول زمان و انطباق آن با شرایط جدید و با اصول اسلامی و ایرانی بپردازند و به طراحی و تدوین یک مدل مدیریتی برتر، بومی و جهادی نوین دست بزنند که قابلیت ارائه، توسعه، گسترش و پیاده سازی در تمامی دستگاه های مملکتی را داشته باشد و از قالب و چارچوب کوچک یک و یا چند سازمان خارج شود و به عنوان یک راهکار مدیریتی و یک تحول نوین در نظام مدیریتی مطرح شود.



### ۳- فرهنگ پیشرفت و عدالت

" یک نکته ی دیگر هم اینکه - که قبلا اشاره هم کردم - این طراحی و تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، به نظر من در هیچ جایی جز دولت وجود ندارد. هر چه انسان فکر می کند که کجا این کار را می شود انجام داد، به نظر می رسد تنها جایی که می تواند این را انجام بدهد، همین دستگاه های دولتی است. واقعا از افراد متفکر هم استفاده بشود و بنشینند الگوی پیشرفت را طراحی کنند. چون این دهه، دهه ی پیشرفت و عدالت است. ما پیشرفت را با عدالت با هم آوردیم؛ یعنی درست نقطه ی مقابل آن چیزی که در دنیای مادی امروز مطرح است. آنها می گویند ما اگر بخواهیم در پیشرفت، رعایت این مسائل عدالتی را بکنیم، آن پیشرفت به دست نخواهد آمد، بنابراین عدالت را می گذاریم بعد از آنکه پیشرفت را حاصل کردیم. آن وقت با راههای جبرانی مثل همین بیمه ها و کمک ها، تا آن حدی که بشود - که غالبا هم نمی شود - جبران می کنیم. ما می گوئیم نه، پیشرفت همراه با عدالت. در ذات این پیشرفت، عدالت بایستی ملحوظ شده باشد. خوب، این الگو لازم دارد؛ بنشینید الگویش را ترسیم کنید. این، نگاه کلانی خواهد بود به آینده ی کشور و شما چهار سال فرصت دارید؛ این چهار سال می تواند یک پایه گذاری باشد که هر کسی هم بعد از شما آمد، این پایه گذاری شما راهنمای او باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸). "

گزاره ای که در بالا به آن اشاره شد بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۱۸ می باشد و می توان اهمیت دهه پیشرفت و عدالت و همچنین لزوم طراحی یک الگوی جامع و برنامه کلان را جهت تحقق پیشرفت و عدالت استنتاج کرد. سوالی که در این جا در ذهن متواتر می شود این است که اصالتا دغدغه معظم له در را بطله با لزوم وجود یک چنین برنامه ای با وجود برنامه های کلان بلند مدت کشوری چیست؟

#### الف) انتقال قدرت از غرب به شرق

این یک باور در میان صاحب نظران جهانی است که اکنون هژمونی ایالات متحده آمریکا رو به افول گذاشته و کم کم انتقال قدرت از غرب به شرق را شاهد هستیم. بر مبنای نظریات اندیشمندان غربی هر تمدنی تولدی را تجربه می کند؛ دوره ای از رشد را می پیماید و سپس به شکوفایی می رسد. هر تمدنی در نهایت بعد از مدتی زمامداری رو به افول می نهد و جایش را به تمدنی دیگر می سپارد. این وضعیتی است که اکنون تمدن غربی بدان دچار است. یعنی پس از یک دوره شکوفایی سیری معکوس را آغاز کرده و این به نوبه خود برای برخی اندیشمندان غربی نیز مایه نگرانی است. ساموئل هانتینگتون رییس مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد از مفهومی به نام "پارادایم تمدنی" یا "روح تمدنی" نام می برد. او معتقد است روح تمدنی از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل می شود و هر بار ملیتی خاص داعیه دار روح تمدنی جدید در سراسر جهان خواهد بود. هانتینگتون می گوید برای دوام تمدن غرب باید خانه بعدی روح تمدنی را شناخت و آن خانه را خراب کرد. خراب کردن خانه تمدنی لزوما به معنی جنگ نیست. می توان تضعیف حوزه های تمدنی را در دستور کار قرار داد، به جایگزینی اصول تمدنی دست یافت و یا اینکه درصدد حل کردن مفاهیم تمدنی جدید در اصول غربی برآمد. سه حوزه تمدنی با عنوان خانه های احتمالی جدید تمدن بشریت در این میان موضوعیت می یابند. این سه حوزه عبارتند از: روسیه، چین و ایران. در این بین اگر چه هر سه کشور ماهیتی شرقی دارند، اما ایران به جهت برخورداری از حکومت متفاوت مبتنی بر تعالیم الهی وضعیتی متفاوت پیدا می کند.

#### ب) ناکارآمدی الگوهای رایج جهانی

اگر از کارآمدی مادی الگوهای رایج جهانی بگذریم، باید بپرسیم زیست جهان غربی چقدر سعادت و آسایش را برای انسان غربی به ارمغان آورده است و حاصل آن اصول اقتصادی که مبتنی بر نفی فردی و آزادی حداکثری و نیز رقابت شکل گرفت اکنون چیست؟



پروفسور روزه گارودی در کتاب سرگذشت قرن بیستم می نویسد: " آن روزی که جوانان فرانسه در خیابان ها ریختند و هر چیز را آتش زدند، ما متوجه شدیم با نسلی روبرو هستیم که زندگی مدل غربی قانعشان نکرده است؛ چون در نظام حکومتی، ایمان و معنویت مورد غفلت قرار گرفته." روزه گارودی ادامه می دهد: "وقتی زندگی مدل غربی شکست خورد، دیگر انقلابی بودن این نیست که مشکلات اقتصادی این نظام را رفع کنیم، بلکه انقلابی بودن آن است که نظام تازه ای را جانشین مدل غربی بسازیم، مدلی که انسان را از وضع موجود حاکم بر جهان غرب نجات دهد... بزرگ ترین درسی که در پایان قرن بیستم می توان فراگرفت آن است که هیچ علمی و هیچ سیاستی قادر نیست ما را از چنگال نابودی رهایی بخشد مگر آن که دست به دامن بُعد الهی و متعالی انسان شویم تا اندیشه های ما با حقیقت وجودی خدای متعال سازگار شود."

(ج) جایگاه قدسی انقلاب اسلامی

اگر فوکویاما در کتاب "پایان تاریخ" خود تصریح می کرد که انسان از خدامحوری به خودمحوری رسید و در پایان تاریخ ایدئولوژی لیبرالیسم موفق شده است نگاه خدامحوری را از زندگی بشر حذف کند، اگر زندگی انسان عصر مدرن و فرامدرن مبتنی بر عقل خودبنیاد بشری کلید خورد و انسان محور هستی قرار گرفت تا به جای چپستی از چگونگی سوال کند، انقلاب اسلامی رجعتی دوباره را رقم زد به تعالیم الهی و وحیانی و انسان گسیخته از ماوراءالطبیعه را به منزل نخست بازگرداند. این جنس زیستن پرسش های خود را دارد و الگوهای خود را می طلبد. در سایه تبیین این الگوهاست که حرکت به سمت رستگاری بشری ممکن است (تهرانی، ۱۳۸۹).

توجه جدی مقام معظم رهبری به تبیین و ارائه الگوی کار آمد و تاکید ایشان بر گسترش فرهنگ پیشرفت و عدالت در دهه پیشرفت و عدالت تا آنجا پیش می رود که در خرداد ماه ۱۳۸۸ تصریح کردند: «اعلام کرده ایم که این دهه، دهه ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می شود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت ها و عزم ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می شود و هم عدالت. ما می خواهیم مسئله ی پیشرفت و عدالت، در دهه ی چهارم به یک گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود.»

اگر بخواهیم نسبت عدالت و پیشرفت را با یکدیگر بسنجیم و رابطه آن ها را با یکدیگر بررسی کنیم، می بایستی با نگاهی سیستمی به تحلیل و بررسی عدالت اقدام کنیم. اگر هدف اصلی از پیشرفت رسیدن به کمال باشد در هیچ یک از شئون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... شاهد فقدان مفهومی به نام عدالت نخواهیم بود. در اینجا باید متذکر شد که ۲ مفهوم پیشرفت و توسعه تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند و به هیچ وجه نمی توان این دو واژه را از لحاظ مفهومی و حتی لغوی یکسان پنداشت.

وقتی فی المثل توسعه را با الگوهای غربی آن در نظر می گیریم، در آنجا نمی توان از مفاهیم اخلاقی و معنوی حرفی به میان آورد بلکه باید بیشتر به دنبال توسعه اقتصادی بود. حتی زمانی که بحث توسعه همه جانبه مطرح می شود، باز هم در آن ابعاد اخلاقی و معنوی را نمی توان دید. در نظریه های رایج توسعه و نوسازی غربی بیشتر می توان شاهد آن بود که بر رشد اقتصادی شاخص های گوناگون توجه بیشتری می شود و معیار و میزان اصلی و اساسی بررسی و تحلیل شاخص ها با معیار پولی می باشد. ولی وقتی صحبت از پیشرفت به میان می آید کار هم راحت تر می شود و هم مشکل تر. مشکل تر از این باب که ابعاد اخلاقی، فرهنگی، معنوی و تاریخی وارد می شوند و راحت تر می شود چون با مفاهیمی ملموس تر و قابل درک تری مواجه هستیم. ملموس تر از این باب که هر جامعه فرهنگ، ارزش ها و مبانی معرفتی خاص به خود را دارد و این ابعاد را به خوبی می شناسد و می تواند مولفه های اعتلای روحی و روانی خود را به درستی تمییز دهد.

مقام معظم رهبری می فرمایند: " مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی ای دارد که آن مبانی تعیین کننده است و به ما می گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و نابخردانه، یک روزی شعار داد و فریاد کشید که باید



برویم سرتاپا فرنگی بشویم و اروپائی بشویم، او توجه نکرد که اروپا یک سابقه و فرهنگ و مبانی معرفتی ای دارد که پیشرفت اروپا، بر اساس آن مبانی معرفتی است؛ ممکن است آن مبانی بعضا مورد قبول ما نباشد و آنها را تخطئه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه ی تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه های عکس العملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت. تأثیر مبانی معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می خواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق العاده است. مبانی معرفتی ما به ما می گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸).

بنابراین می توان گفت که در معقوله پیشرفت و عدالت، با آن جهت گیری الهی که صحبت از آن به میان آمد، به دنبال یک توسعه فرهنگی هستیم و رسیدن به کمال در گرو توسعه فرهنگی خواهد بود. دکتر عماد افروغ می گوید: "بنابراین باید، هم نگاهی جامع و هم فرهنگی به توسعه داشت. فرهنگ توسعه با توسعه فرهنگی متفاوت است. فرهنگ توسعه به این معناست که توسعه الگوی واحدی دارد و این الگو در غرب شکل گرفته است و امروزه هم آمریکا در اوج این توسعه یافتگی و کشورهای دیگر هم باید متوجه این معنا باشند که غرب چگونه توسعه یافته است. یکی از الگوهایی که در نظریه های توسعه مطرح می شود، الگوی فرهنگی است. در الگوی فرهنگی توسعه بر این تکیه می شود که چه اتفاقاتی در غرب رخ داده که منجر به توسعه شده است. حال در ذیل این الگو، نظریه های روانشناختی و تاریخی مطرح می شود (افروغ، ۱۳۸۹).



#### ۴- نتیجه گیری

حال پس از گذشت حدود ۳ دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و اجرای ۴ برنامه توسعه در کشور، دهه پیشرفت و عدالت را پیش رو داریم و معتقدیم که برای به بار نشستن میوه انقلاب و رسیدن به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴، مدیران اجرایی می بایست با یک عزم جدی و روحیه جهادی و توجه ویژه به بیانات مقام معظم رهبری و رهنمود های ایشان در خصوص لزوم پیشرفت در سایه عدالت، بر پیشبرد اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران اهتمام ویژه داشته باشند و بدون در نظر گرفتن و به کار بستن این میراث ارزشمند، طبعاً شاهد عقب ماندگی در عرصه های مختلف خواهیم بود.

در این مقاله نیز سعی شد تا با ترسیم یک نقشه راه در خصوص مدیریت جهادی، ویژگی ها، برتری ها نسبت به سایر سبک های مدیریتی و همچنین راهکارهای ترویج و ارتقا سطح اثر گذاری آن در سازمان مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد برای موفقیت هر سازمانی علاوه بر مورد توجه قرار دادن، بررسی و اصلاح روش های مدیریتی و همچنین پیاده سازی مدیریت جهادی که به طور کامل در رابطه با آن توضیح داده شد، توجه ویژه به مولفه های توسعه فرهنگی به عنوان یک رکن اساسی تاثیرگذار در بهبود بهره وری و کارآمدی سازمان ها و در نتیجه کشور، امری ضروری است. بر این اساس اجرایی شدن توسعه فرهنگی در کشور به عنوان یک اصل و همچنین به کاربردن شیوه های مدیریت جهادی در پیاده سازی آن منجر به پیشرفت گردیده و با اجرایی شدن برنامه های پیشرفت، به عدالت نیز دست خواهیم یافت.





## مراجع

- [۱] موحد خسرو، (۱۳۸۶)، مدیریت جهادی تجربه ای موفق در جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی، تهران.
- [۲] آرمسترانگ، م. ترجمه خدایار ابیلی. (۱۳۸۰). ربردهای مدیریت منابع انسانی، تهران؛ انتشارات فرا.
- [۳] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جهادگران و کشاورزان. (۱۳۸۲). فصلنامه فرهنگ جهاد، سال نهم، شماره اول و دوم.
- [۴] خزایی، (۱۳۸۳)، فرهنگ سازمانی جهاد تجربه دیروز الگوی امروز پشتوانه فردا، فصلنامه فرهنگ جهاد، سال دهم، شماره اول.
- [۵] فغفور مغربی، (۱۳۸۶)، راه کارهای مؤثر در جلوگیری از افت مدیریت و فرهنگ جهادی، دومین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی، تهران.
- [۶] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با هیئت دولت، (۱۳۸۸) .
- [۷] تهرانی محمد مهدی ، (۱۳۸۸)، سایت خبری رجا نیوز، کد خبر: ۸۳۱۳۵ .
- [۸] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار استادان و دانشجویان، (۱۳۸۸)، کردستان .
- [۹] افروغ عماد، (۱۳۸۹)، سایت خبری خبرآنلاین، تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۲ .